

۹



۳ سال است که دوستداران ادبیات در کتابخانه ثارا...^(۴) محفل کتاب خوانی دارند

عطر شعر در هوای محله کوثر

● آغاز فصل بازنشستگی با ادبیات

دیوان حافظ را باز کرده و خواندن صدمین غزل را شروع می‌کند: دی پیر می‌فروش که ذکرش به خیر باد/ گفتا شراب نوش و غم دل ببر زیاد/ گفتم به باده نام و ننگ/ گفتا قبول کن سخن و هر چه باد باد...

استاد مفهوم عرفانی شراب را یادآوری می‌کند، نام و ننگ را شرح می‌دهد و با خواندن ابیاتی دیگر از حافظ، ردیلت شهرت را یادآوری می‌شود. گاهی برای نشان دادن اهمیت مطلب و رساندن مفهوم، گریزی به اشعار دیگر شاعران می‌زند. بعضی از مخاطبان از صحبت هانت برداری، بعضی هاهم آن را با تلفن همراه ضبط می‌کنند.

اغلب شرکت‌کنندگان بیشتر از پنجاه سال سن دارند و بازنشسته هستند. برخلاف تصور اولیه، اغلب آن‌ها در رشته‌ها و مشاغل غیر مرتبط با ادبیات فعالیت کرده‌اند و لی‌حال در میان سالی، این بستر را برای آرامش و بهره‌بردن از عمر گران‌مایه یافته‌اند.

مدرس این محفل هازرها طاهری است. او بازنشسته آموزش و پرورش است و دکترای زبان و ادبیات فارسی دارد. آن‌قدر به مثنوی علاقه داشته که موضوع پایان‌نامه و رساله دکتری‌اش مرتبط با همین کتاب بوده است. اومی‌گوید: ابتدایی که محفل ادبی را تشکیل دادیم، فقط مثنوی خوانی داشتیم و ماهی یک بار برگزار می‌شد. بعد که تقاضا بیشتر شد، جلسات را هفتگی کردیم.

در ادامه تصمیم گرفتند یک هفته مثنوی خوانی داشته باشند و یک هفته آثار دیگر شاعران و نویسندگان همچون سعدی، فردوسی، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد، پروین اعتصامی و بی‌یهی را بخوانند. اکنون آن‌ها یک هفته مثنوی خوانی و یک هفته حافظ خوانی دارند.

او که این کلاس‌ها را بدون دریافت هیچ هزینه‌ای دایر می‌کند، می‌گوید: دوست داشتم آنچه رایاد گرفته‌ام در اختیار دیگران هم قرار دهم و بدین وسیله گامی برای داشتن زندگی بهتر برای خودم و دیگر افراد بردارم.

فهمیه شهری اسه سالی می‌شود که محفل ادبی «باصبا» به همت زهرا طاهری در کتابخانه ثارا...^(۴) دایر است و علاوه بر اهالی محله، علاقه‌مندانی از مناطق مختلف را به سمت خود می‌کشاند. ابتدا که این محفل دایر شد، پنج شش نفر بیشتر مخاطب نداشت اما حالا هر هفته علاقه‌مندان آن‌از جای جای شهر، خود را به محله کوثر می‌رسانند تا کتاب اشعار مولانا، حافظ، تاریخ بی‌یهی، شاهنامه و... را ورق بزنند و درس زندگی را از دیوان شعرا بیاموزند. دو شنبه‌ها که این محفل دایر می‌شود، سالن کتابخانه پر از ادب‌دوستان می‌شود، طوری که گاهی با کمبود صندلی مواجه می‌شوند؛ باین حال علاقه‌مندان این جلسات حتی حاضرند روی صندلی بخش کودک بنشینند و لی در جلسه حضور داشته باشند.

● محفل حال خوب کن

این استاد ادبیات با کلامی پراز آرامش و در عین حال باتأکید می‌گوید: کتاب‌های مولانا برای چند سال جزو پرفروش‌ترین کتاب‌های شعر در آمریکا و اروپا بودند. اگر ما از اندیشه و کلام این شاعران که شهرت جهانی دارند، استفاده نکنیم، در حق خودمان و آن‌ها ظلم کرده‌ایم.

طاهری ادامه می‌دهد: ما ادبیات را برای سرگرمی نمی‌خوانیم. ادبیات درس زندگی به مامی‌دهد و با کمک آن می‌توانیم انسان بهتری باشیم.

او تعریف می‌کند: یک بار داشتم در مدرسه درباره اشعاری که ما را از ردیلت‌های اخلاقی و غرور و شهرت طلبی منع می‌کند، صحبت می‌کردم. بعد از آن یکی از معلمان نزد آمد و گفت می‌خواسته یخچال خانه‌اش را از روی چشم و هم چشمی عوض کند، ولی بعد از آن جلسه، منصرف شده بود.

فائزه مرتضایی جزو اولین نفراتی است که با پاگرفتن این محفل ادبی در آن شرکت کرده و همچنان جزو شرکت‌کنندگان پرو پا قرص آن است. او و همسرش از بولوار امامت به اینجا می‌آیند. مرتضایی بیش از هر چیز، استاد را دلیل علاقه‌اش به این کلاس‌های داند و می‌گوید: در اشعار به موضوعاتی همچون مهربانی، تواضع، خودشناسی و امثال این‌ها زیاد اشاره شده است که بردلم می‌نشیند. علاوه بر این، رفتار و برخورد خوش استاد، برای آمدن به کلاس، رغبت ایجاد کرده است.

او از این برنامه به عنوان یک «محفل حال خوب کن»، نام می‌برد و می‌گوید: با مشکلاتی که زندگی‌های امروز دارد، اگر این کلاس و آرامشی که در پس آن به دست می‌آوریم نبود، چه بسا حالا بارها در زندگی کم آورده بودیم.

غلامحسین طلوع که از معلمان بازنشسته زبان انگلیسی است، زبان‌روان و عامیانه‌استاد را دوست دارد و می‌گوید: ایشان در عین حال که به زیر و بم اشعار مسلط است، جواب همه سؤال‌ها را می‌دهد.

او ادامه می‌دهد: در این محفل هر فردی می‌تواند راحت نظرش را بگوید، انتقاد یا مخالفت کند و به نظر من این از بهترین ویژگی‌های آن است.



آن‌ها نگران اندمباد روزی این مکان از آن‌ها گرفته شود. برای این جلسه هیچ تبلیغات خاصی انجام نشده است. خود شرکت‌کنندگان، به دوستان و آشنایان نشان اطلاع‌رسانی کرده‌اند، طوری که اکنون در روزهای محفل، کل فضای کتابخانه پراز دوستداران این نشست می‌شود.

مدیریت دولتی بوده اما حالا در شصت و پنج سالگی این قدر در این محفل به ادبیات علاقه مند شده است که می‌گوید اگر زمان به عقب برگردد، در رشته ادبیات ادامه تحصیل می‌دهد.

به نظر او غفلت از ادبیات است که باعث شده این قدر مردم ماعصبی و کم طاقیت باشند. اومی‌گوید: از وقتی در این محفل حضور پیدا کردم، مهارت صحبت کردنم بیشتر شده است. آرامش و طمأنینه دارم و این قدر این‌ها تأثیر مثبت بر زندگی‌ام گذاشته است که فرزندانم من را برای آمدن به این کلاس تشویق می‌کنند.

او که دغدغه‌های فرهنگی دارد و این محفل را گامی در این راستا می‌داند، ادامه می‌دهد: مکان کتابخانه ثارا...^(۴) برای این محفل کوچک است؛ با وجود این، همه با اشتیاق می‌آییم و امیدواریم حداقل همین فضای کوچک را از مان‌گیرند.

این دغدغه او را تعدادی دیگر از حضار و علاقه‌مندان نیز دارند. با اینکه بعضی‌ها از راه دور می‌آیند، اصلاً از دوری راه ناراحت نیستند.

● انارستان ادبیات

کیانار جانی‌فرد، جوان‌ترین عضو محفل و دانشجوی ادبیات است. کیانا معتقد است با حضور

در این کلاس، گرهی از گره‌های روحی افراد باز می‌شود. او کلاس را به باغ انار تشبیه می‌کند و می‌گوید: همان طوری که داخل هر انار صدها دانه است، در هر شعری که اینجا می‌خوانیم، صدها معنی نهفته است که هر کدام ارزشی ویژه دارد.

محمود اسکندری بازنشسته اداره دارایی است. او از ادبیات به عنوان لذتی نام می‌برد که با هیچ پول و ثروتی به دست نمی‌آید. تحصیلات اسکندری در رشته

